فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۱
صفحات ۹ – ۳۰

اندیشهٔ تحول در خط جهان اسلام (ایران، قفقاز و عثمانی در قرن نوزدهم)

غلامعلی پاشازاده[۱]

چکیده

در پی رویارویی سرزمین‌های اسلامی با تمدن جدید غرب و شکست‌های مختلف نظامی در طول قرن هیجده و نوزده میلادی، به تدریج، پرسش از چرایی این شکست‌ها در ذهن و اندیشه بسیاری از متفکران مسلمان شکل گرفت. پرسش از شکست‌ها دو جنبه کاملا بارز داشت: یک جنبه از آن، به عقب ماندگی و انحطاط جامعه مسلمانان، و جنبه دیگر، به پیشرفت غرب، مربوط می‌شد. این پرسش‌ها، پاسخ‌های متفاوت و گاه متناقضی را در پی داشت که یکی از آنها ناظر به مسالهٔ خطِ جهان اسلام بود. در این زمان، اندیشمندان مختلف، به تفکر و تأمل در مورد خط مسلمانان پرداختند و کاستی‌ها و مشکلات آن را عاملی برای عقب ماندگی و عدم ترقی جهان اسلام قلمداد نمودند؛ و در نتیجه، خواهان ایجاد تحول در خط جهان اسلام، از طریق تغییر و اصلاح الفبا شدند. نحوه رویکرد این اندیشمندان به خط جهان اسلام، مساله‌ای است که مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از آثار و منابع تاریخی آن را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش، ضمن بررسی تطبیقی آراء این اندیشمندان، در مورد ضرورت اصلاح یا تغییر خط جهان اسلام، به این سوال پاسخ داده خواهد شد که طرفداران تحول خطِ دنیای اسلام، تا چه میزان در تشخیص ارتباط میان خط و عقب ماندگی و ترقی مسلمانان، موفق بوده‌اند.

کلید واژگان

اصلاح الفبا، تغییر خط، جهان اسلام، ترقی، عقب ماندگی

۱. استادیار دانشگاه تبریز، گروه تاریخ، تبریز، ایران. gh_pashazadeh@yahoo.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

مقدمه

در قرن نوزدهم، شماری از اندیشمندان در قفقاز، ایران و عثمانی به تفکر و تأمل در مورد خطِ جهان اسلام پرداختند و با برشمردن ایرادهایی فنی برای الفبای عربی، در نهایت، به این نتیجه رسیدند که این ایرادها، امر آموزش و پرورش را دچار مشکل نموده، و موجبات عقب ماندگی جهان اسلام- در مقابل دنیای غرب- را فراهم ساخته است. به باور آنها، مسلمانان برای ترقی، باید تحولاتی را در الفبای معیوب خود ایجاد کنند. نخستین بار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، از قفقاز، ضرورت این امر را یادآور شد و بعد از آن، اندیشمندان مختلفی در ایران، قفقاز و عثمانی، این بحث را ادامه دادند. اندیشمندان یادشده، کاستی‌های فنی زیادی را برای الفبای مسلمانان بر شمردند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که می‌توان با رفع آنها، امر آموزش را تسهیل نمود و به دنبال آن، راه ترقی را بر جهان اسلام گشود.

نحوه رویکرد اندیشمندان جهان اسلام به مساله‌اصلاح یا تغییر خط، و میزان درستی ادعای آنها در مورد پیوند میان خط و ترقی، مساله مقاله حاضر است که با استفاده از آثار اندیشمندان خواهان تحول در خط مسلمانان، و منابع تاریخی آن عصر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌ها، بیشتر از آثار خود اندیشمندان استخراج شده و در محورهایی کلی، برای بررسی دلایل و مستندات اندیشمندان و میزان مطابقت آنها با واقعیت‌های تاریخی و علمی، مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند.

در مورد پیشینه تحقیق، باید گفت که مساله اصلاح خط از منظرهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. توجه اندیشمندان به اصلاح خط، و نقطه نظرات کلی آنها، در آثار مختلفی در زبان فارسی بازتاب یافته است. از جمله این آثار، می‌توان به کتاب *در پیرامون تغییر خط فارسی* از یحیی ذکا و *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم* از رحیم رئیس‌نیا اشاره کرد. یحیی ذکا، به معرفی اندیشه هر کدام از اندیشمندان اصلاح خط در ایران پرداخته، و رئیس نیا، روند تاریخی آن را در ایران، قفقاز و عثمانی پی‌گیری کرده است. همچنین، فریدون آدمیت، در کتاب‌های *اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده*، *اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی*، *اندیشه های طالبوف تبریزی* و فرشته نورائی، حامد الگار و حجت الله اصیل نیز هر کدام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

در آثار مربوط به ملکم، اندیشه او در اصلاح خط را مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله «رابطه جنبش اصلاح خط با زمینه‌های فکری مشروطیت در ایران» از عطاءالله حسنی، با نگاهی به محورهای کلی نظرات اندیشمندان اصلاح خط، رابطه اصلاح خط را با ترقی خواهی و مشروطیت در ایران، مورد کاوش قرار داده است. در ترکیه نیز، محققانی مانند: «تانسل»و «چلیک»، در مقاله‌ها و کتاب‌هایی، مساله تحول در خط مسلمانان و اندیشه متفکران هوادار آن در عثمانی را بررسی کرده‌اند که در متن مقاله حاضر، از آنها استفاده می‌شود.

با این که جزئیات اندیشه هواداران تحول در خط جهان اسلام، در پژوهش‌های یاد شده، بازتاب یافته‌اند، ولی همه آنها از حیث عدم دسترسی کامل به منابع سه حوزه یاد شده، از کاستی‌هایی برخوردارند. مقاله حاضر، با دسترسی به منابع سه حوزه، و اطلاعات جدید، رویکرد اندیشمندان به مساله تحول در خط جهان اسلام را مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد و با رویکردی جدید، مساله ارتباط خط با ترقی، از منظر اندیشمندان مذکور، را با تکیه بر مستندات تاریخی و علمی بررسی می‌نماید.

روند تاریخی جنبش اصلاح خط در قرن نوزدهم

نخستین بار، میرزا فتحعلی آخوند زاده (۱۸۱۲–۱۸۷۸م /۱۲۹۵– ۱۲۲۸ق)، موضوع اصلاح الفبای جهان اسلام را در قرن نوزدهم طرح کرد، و برای این منظور، الفبایی را در سال ۱۸۵۷م/ ۱۲۷۴ق، ابداع نمود. او در وهله نخست، الفبای ابداعی خود را از طریق میرزا حسین خان (سپهسالار بعدی)، کنسول ایران در تفلیس، به میرزا سعید خان موتمن الملک انصاری – وزیر خارجه وقت ایران– ارائه کرد. سپس، با تعدادی از مقامات ایران مکاتبه نمود (آدمیت، ۱۳۴۹: ۸۰ و ۸۳) اما در ایران، به تقاضای او مبنی بر اصلاح خط، و نیز الفبای ابداعی‌اش اعتنایی نشد.

میرزا حسین خان، پس از آن که در سال ۵۹– ۱۸۵۸م/۱۲۷۵ق به سمت سفارت عثمانی منصوب شد، تلاش کرد الفبای میرزا فتحعلی را در عثمانی مطرح نماید و از او خواست که برای طرح اندیشه خود به استانبول بیاید(آخوند زاده، ۱۳۵۷: ۱۰۸). در این میان، منیف پاشا– یکی از دولتمردان عثمانی– در ۱۲ مه ۱۸۶۲/ ۱۳ ذی قعده ۱۲۷۸، طی یک سخنرانی در«جمعیت علمیه عثمانیه»، ضرورت اصلاح خط را گوشزد کرد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

(*مجموعه فنون*، نومرو ۱۴، ۱۲۸۰: ۷۷– ۷۴)[۱] و زمینه برای طرح اصلاح الفبا در عثمانی مساعد شد. عاقبت، با اصرار میرزا حسین‌خان، آخوندزاده در سال ۱۸۶۳م/ ۱۲۸۰ق به استانبول رفت و الفبای خود را به فؤاد پاشا – صدر اعظم عثمانی– ارائه نمود. فواد پاشا، الفبای میرزا فتحعلی را برای بررسی به «جمعیت علمیه عثمانیه» فرستاد که منیف پاشا در صدر آن قرار داشت. منیف پاشا به خاطر اعتقاد به اصلاح خط، از الفبایی ابداعی آخوندزاده استقبال نمود و آن را برای بررسی بیشتر در جمعیت علمیه عثمانی مطرح کرد (همان جا) و بحث اصلاح الفبا مورد توجه روشنفکران ترک قرار گرفت. [۲] شخص آخوند زاده نیز، به دعوت انجمن، در سال ۱۲۸۰ق برای دفاع از الفبایش به عثمانی رفت، ولی الفبای او در "جمعیت علمیه عثمانیه" به علت دشواری‌هایش برای عمل چاپ، مجوز اجرا کسب نکرد (همان: ۷۴–۷۰) و رد شد.

به دنبال حضور آخوندزاده در عثمانی، عده ای از اندیشمندان ایران از جمله: میرزا یوسف خان مستشارالدوله و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، موضوع اصلاح خط را مورد توجه قرار دادند. در سال ۱۸۶۶م/ ۱۲۸۳ق علی سعاوی[۳] در روزنامه مخبر، چاپ لندن، مطالبی در این زمینه به چاپ رساند، و سپس این بحث، با مشارکت ملکم، نامق کمال، [۴] خیرالدین بیگ و دیگران، در روزنامه‌های: جریده حوادث، ترقی و حریت تداوم یافت. در طول قرن نوزدهم، افراد صاحب نام دیگری مانند: شارل میسمر فرانسوی – مشاور فؤاد پاشا، آخوند ملا احمد حسین زاده، شیخ الاسلام قفقاز، میرزا رضا خان ارفع

۱. همین مسأله موجب شده است عده ای از محققان در ترکیه و جاهای دیگر ابداع الفبای جدید توسط آخوندزاده را مربوط به سال ارائه آن در جمعیت علمیه عثمانیه قلمداد نمایند و اولین شخص طرح کننده اصلاح الفبا را منیف پاشا معرفی کنند. برای نمونه نگاه کنید به: (Tansel, ۱۹۵۳: ۲۲۳-۲۴۹; Tongul,۲۰۰٤: ۱۰۵)و نیز: الگار، ۱۳۶۹: ۸۷.

۲. برخی ابتکار طرح اصلاح خط در عثمانی قرن نوزدهم را به میرزا ملکم خان ناظم الدوله نسبت داده‌اند. نگاه کنید به: (ناطق، ۱۳۶۷: ۸۲)

۳. علی سعاوی (۱۸۳۹–۱۸۷۸م) در این زمان به خاطر فعالیت‌های سیاسی از عثمانی به اروپا فرار کرد و در آنجا روزنامه‌های مخبر و علوم را منتشر نمود. برای اطلاع بیشتر از زندگی او مراجعه کنید به:(Çelik,۱۹۹٤)

۴. نامق کمال (۱۸۸۸– ۱۸۴۰) شاعر و اندیشمند عثمانی قرن نوزدهم از مخالفان اصلاح خط بود. برای اطلاع از زندگی او مراجعه شود به: (İslam Ansiklopedisi, ۲۰۰۵, cilt ۱۸) مدخل نامق کمال و برای اطلاع از اندیشه او در مورد اصلاح خط مراجعه شود به: (کمال، ۱۳۱۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

الدوله، [1] طالب اوف، محمد حسین انصاری، میرزا رضا خان افشار بکشلو غزوینی، میرزا محمد علی خان اویسی، محمد آقا تختلی (شاه تختنسکی)، م افشار، م شوشتری، میرزا نجف قلی خان، میرزا حسین خان، میرزا کاظم خان الان براغوشی، ادیب الممالک فراهانی، ادولف برژه و نیز افراد دیگری بدون ذکر نام، در روزنامه‌های اختر و ترقی، این مساله را مورد توجه قرار دادند و مطالبی را در این زمینه به چاپ رساندند.

کاستی‌های الفبای جهان اسلام

اندیشمندان هوادار اصلاح خط، برای الفبای جهان اسلام یا همان الفبای عربی، کاستی‌هایی را مطرح می‌کردند که عمده ترین آنها عبارت بود از: اتصال حروف، جدایی اِعراب از کلمات، تمییز حروف از راه نقطه‌ها، یکسانی شکل‌های حروف و نبود برخی از حروف صامت و مصوت (آخوند زاده، ۱۳۵۷: ۶-۵؛ ناظم‌الدوله، بی‌تا: ۱۲۳ به بعد؛ *مجموعه فنون*، ۱۲۸۰، نومرو: ۷۶- ۷۴؛ حسین زاده، ۱۲۹۷: ۴-۳؛ مستشارالدوله، ۱۳۰۳ :۵-۴ و ۲۱؛ ترقی، ۱۶ جمادی الاولی ۱۲۸۶، نومرو :۲؛ انصاری، ۱۲۹۸: ۱۳۷-۱۳۸؛ اویسی، ۱۳۳۱: ۵؛ اختر، ۱۲۹۸ :۶۷؛ غزوینی، ۱۲۹۹: ۱۳- ۱۲؛ انصاری، ۱۳۰۸: ۵- ۴)

از نظر این اندیشمندان، اتصال حروف، موجب می‌شد که حروف صدادار از کلمات جدا باشند و هر کدام از حروف، در اول، وسط و آخر کلمات، شکل جداگانه‌ای پیدا کنند و کار آموزش و چاپ کتاب را با دشواری و کندی همراه سازند. ملکم، یکی از اندیشمندان بود که اتصال حروف را «سرچشمه جمیع معایب» در خط دنیای اسلام می‌دانست (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲ :۱۰ - ۹؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۰۶). به اعتقاد طرفداران اصلاح خط، جدایی اِعراب از واژه‌ها، موجب می‌شد کلمات به شکل‌های گوناگون تلفظ شوند. تنوع اَشکال حروف و تمییز آنها از راه نقطه، کار یادگیری را برای نو آموزان سخت‌تر می‌کرد، و کار چاپ کتاب را با دشواری و کندی همراه می‌ساخت. افزون بر این،

۱. در سال ۱۲۷۰ق در تبریز به دنیا آمد و بیشتر عمر خود را در وزارت امورخارجه و مامریت در کشورهای دیگر سپری نمود. در سال ۱۲۹۷ق رساله ای در اصلاح الفبای فارسی و ترکی و عربی در تفلیس تالیف و در استانبول منتشر کرد. این کتاب به دست نیامد و مطالب مربوط به آن را از رساله میرزا یوسف خان مستشارالدوله نقل کردیم. برای اطلاع بیشتر از زندگی او مراجعه کنید به: معین الوزاره، ۱۳۰۹:ص ۹۲-۸۹.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

هواداران اصلاح خط، ایرادهای زیاد دیگری هم برای خط جهان اسلام بـر می‌شـمردند که از جمله آنهـا می‌تـوان بـه عـدم امکـان تلفـظ صـحیح اسـامی اشـخاص، شـهرها و اختراعـات و اکتشـافات حاصـل از علـوم جدیـد (مستشـارلدوله، ۱۳۰۳ق: ۱۴؛ ترقـی، ۲۷جمادی الاولی، ۱۲۸۶ق: ۲)، نبودن بعضی از صداها مانند g فرانسـه، خوانـده نشـدن بعضی از حروف مانند (و) در کلمه خواجه، وجود الف زاید همراه (ی) در اول کلمات مانند: این (ناظم‌الدوله، بی تا: ۱۲۳ به بعد)، وجود چندین شکل برای یک حرف مثل ز، ض، ظ و ذ (Əkinçi, ۲۰۰۵: ۳٤۰) و عدم کار آیی آن برای اسـتفاده از تلگـراف (ترقـی، همان: ۳) اشاره کرد. میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، کاستی‌های خـط جهـان اسـلام را در سی مورد برمی‌شمرد (ناظم‌الدولـه، ۱۳۰۲: ۱۱) و مستشـار الدولـه، آن کاسـتی‌ها را بـه دنیای اعداد هم تسری می‌داد و قابلیت تغییر اعداد به یکدیگر (ماننـد ۱ بـه ۲ و ۳ و...) و استفاده از یک "نقطه نامرئی" به جای صفر را از معایب "اشکال هندسـه" می‌دانسـت (اختر، سال۵، شماره ۳۷، ۲۳ رمضان، ۱۲۹۶: ۲۸۹).

بایستگی اصلاح خط

اندیشمندان معتقد به تحول خط، مشکلات خط جهان اسلام و دشواری‌های آن برای ترویج علوم را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانستند و برای نیل بـه ترقـی، تغییـر یـا اصـلاح خـط را لازم می‌شـمردند (طالـب اوف، بی‌تـا: ۵۰؛ ترقـی، نـومرو ۱۹۲، ۲۱ ربیع‌الاخر، ۱۲۸۶: ۳؛ حسین زاده، ۵:۱۲۹۷-۴؛ مخبر، نـومرو۴۷، ۳۱ اگوسـت، ۱۸۶۸: ۱؛ ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۳-۲؛ اختر، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۲۹۴: ۱۰۰؛ همان، سال ۷، شـماره۶، ۱۲۹۸: ۵۰؛ انصاری، : ۲). از نظر میرزا محمـد علی‌خـان اویسـی از اندیشـمندان تحـول خط، عامل «توقف ملل شرقیه و عقب افتادن آنها از اهالی غرب» مساله الفبا بود (اختـر، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۲۹۴: ۱۰۰). طبق آراء میرزا محمودخان «جنرال کنسـول» ایـران در تفلیس، با اصلاح الفبا، راه تحصیل علم آسان‌تر می‌شد (اختر، سـال ۷، شـماره۶، ۱۲۹۸: ۵۰). طالب اوف، الفبای عربی را «سبب عمده و علت اصلی جهالت ملت اسلام» معرفی می‌کرد (طالب اوف، بی تا: ۵۰) و خیرالدین بیگ، از حامیان اصلاح خط، ترقی را بدون اصلاح الفبا مشـکل می‌دانسـت (ترقـی، نـومرو: ۱۲۸۶: ۱۹۲/۳). سـعاوی، شیخ‌الاسـلام قفقاز، و غزوینی تصور می‌کردند ملت‌های اسلامی به دلیـل دشـواری و صـعوبت خـط خود از تحصیل علوم عاجز مانده‌اند و ملت‌های اروپـایی بـه دلیـل سـهولت الفبایشـان،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

بیشتر علوم را به راحتی فرا گرفته‌اند (حسین زاده، ۱۲۹۷: ۵-۴؛ مخبر، نومرو، ۴۷/۱:۱۸۶۸، غزوینی، ۱۲۹۹: ۱۲).

ملکم از دیگر اندیشمندان خواهان اصلاح خط، وانمود می‌کرد که عیب‌های زیاده از حد«خطوط ملل اسلام» با وجود ذات ترقی‌خواهانه دین اسلام، موجب شده است که ملل اسلامی چه در گذشته و چه در حال، نتوانند به اندازه فرنگستان ترقی نمایند. (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۳-۲). او و دیگر اندیشمندان اصلاح خط، بر این باور بودند که با اصلاح یا تغییر خط، زمینه برای باسوادی و در نتیجه، ترقی فراهم خواهد شد، و به تعبیر انصاری، مسلمانان «همین که خوانا شدند، دانا می‌شوند و پس از دانایی البته توانا می‌گردند» (اختر، سال ۱۲، شماره۲۷، ۱۳۰۳: ۲۱۴، - ۲۱۳).

برخی از هواداران اصلاح خط، کاستی‌های الفبای جهان اسلام را عامل مشکلات سیاسی و اقتصادی هم قلمداد می‌کردند. از باب نمونه، مستشار الدوله وانمود می‌کرد که روس‌ها از نقص‌های الفبای فارسی در مسایل مرزی سوء استفاده کرده‌اند و در عهدنامه گلستان «کَپَنک چای»از نقاط سرحدی را «کَپَنَک چای» خوانده، و از نقاط سرحدی تجاوز کرده‌اند (مستشارالدوله، ۱۳۰۳: ۳۰- ۲۶). ملکم، همفکر او در این زمینه، اعتقاد داشت که اقلیت های قلمرو عثمانی، به خاطر دشواری الفبا، زبان ترکی را یاد نگرفته‌اند و در نیتجه وحدت ملی در این سرزمین به وجود نیامده است. از نظر ملکم برای وحدت ملی، وجود اتحاد مذهبی یا اتحاد زبانی ضرورت داشت. اتحاد مذهبی در عثمانی، غیر ممکن بود و تنها اتحاد زبانی می‌توانست وحدت ملی را در آنجا تامین کند که دشواری الفبا، آن را نیز ناممکن ساخته بود. ملکم معتقد بود طوایف قفقاز، خواه مسلمان و خواه عیسوی، جزء ملیت روس می‌شوند؛ چون به خاطر سهولت زبان روسی، به زودی آن را را می آموزند و دیگر، لزومی برای بکارگیری زبان خود نمی‌بینند (ملکم، ۱۳۸۱ :۱۲۱- ۱۱۹؛ همان: ۴۰۴-۴۰۲).

از نظر خیرالدین بیگ نیز، اصلاح الفبا، زمینه استفاده همه اهالی ممالک محروسه را از آن فراهم می‌آورد و ابزاری برای اتحاد در عثمانی می‌گردید (ترقی، ۱۲۸۶ :۱۹۲/۳).

راهکارهای تحول خط

طرفداران تحول خط، در خصوص عملیاتی کردن آن، اتفاق نظر نداشتند. برخی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

خواهان تغییر خط و بعضی هم خواستار اصلاح الفبا بودند. میرزا فتحعلی آخوندزاده، بنیانگذار جنبش اصلاح خط در قرن نوزدهم، در آغاز، طرح اصلاح الفبا را دنبال می‌کرد. الفبای ابداعی او در ابتدای امر، برای اصلاح الفبای رایج بود. برای این مساله، نقطه‌ها را حذف کرد و اِعراب را به داخل کلمات انتقال داد و برای آنها و حروف نقطه‌دار شکل مناسبی از حروف جایگزین نمود (AxundzadeƏ,۲۰۰۵:۵۰- ۵۱). الفبای میرزا فتحعلی با وجود این مزیت‌ها و رفع برخی از مشکلات فنی الفبای قدیم، به خاطر تلاش او برای شباهت الفبایش به الفبای قدیم، بسیاری از کاستی‌ها را همچنان به همراه داشت. در الفبای او مثل الفبای قدیم، حروف از هم جدا نبود (همان، ۶۳؛ مستشارالدوله، ۱۳۰۳: ۳-۲) و همین امر، کار چاپ را دشوار می‌کرد. میرزا فتحعلی، به تدریج، از عقیده اولیه خود مبنی بر حفظ مشابهت خط جدید با خط قدیم دست برداشت، و جدایی حروف، انتقال اِعراب به داخل کلمات، حذف نقطه ها و از چپ نوشته شدن را برای الفبا ضروری شمرد (AxundzadeƏ,۲۰۰۵:۱۷۲- ۱۷۳, ۱۷۷, ۱۸۲, ۱۸۶) و از اصلاح خط به تغییر آن، و اقتباس شکل حروف لاتین رو آورد. (همان: ۱۹۲).

علاوه بر آخوندزاده، م. شوشتری (اختر، سال هفتم، شماره۱۲، ۱۲۹۸ :۹۸)، میرزارضاخان- ترجمان اول و نایب کارپرداز خانه ایران در تفلیس- هم اعتقاد به تغییر خط داشتند. میرزا رضا خان در خط ابداعی خود همان حروف فرانسه را به کار برد و برای مشخص کردن شکل‌های مختلف حروفی مثل "ت" از یک خط افقی در بالای آنها استفاده کرد (مستشار الدوله، ۱۳۰۳: ۹-۷).

ادولف برژه (۱۸۸۶- ۱۸۲۸م) خاور شناس و قفقاز شناس روسی هم از تغییر الفبا و نزدیکی آن به الفبای لاتین حمایت می‌نمود (اختر، سال ۷، شماره ۷، ۱۲۹۸:۵۸). البته، افراد دیگری نیز واژه تغییر را برای ایجاد تحول در خط به کار می‌بردند. از جمله این افراد طالب اوف بود. او با وجود صحبت از حذف نقطه‌ها و انتقال اِعراب به داخل کلمات، برای رفع نواقص الفبا، از اصطلاح تغییر الفبا برای این امر استفاده می‌کرد و عقیده خود را در این مورد، واضح بیان نمی‌کرد (طالب اوف، بی‌تا: ۵۱).

محققان ترکیه از جمله «تانسل» (Tansel, ۱۹۵۳: ۲۳۰- ۲۳۱) و «حلمی ضیا اولکن» (□□□□□، ۱۹۹۹:۸۰)، علی سعاوی را هم در زمره معتقدان به تغییر خط قلمداد کرده‌اند، ولی همان طور که حسین چلیک (Çelik, ۱۹۹٤: ٦۳۸) به درستی خاطرنشان کرده است،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

سعاوی خواهان تغییر خط نبود، و اصلاح الفبا را برای رفع مشکلات آن کافی می‌دانست، که به آن خواهیم پرداخت.

در مقابل اندیشمندان یاد شده، شماری از اندیشمندان دیگر یافت می‌شدند که اصلاح الفبا را بر تغییر آن ترجیح می‌دادند. ملکم می خواست تمام این اصلاحات را به نحوی اعمال نماید که نسل قدیم بتواند بدون صرف وقت و هزینه، الفبای جدید او را بخواند، بنابراین، الفبای او حداکثر شباهت را با الفبای موجود داشت. او در الفبای خود، حروف را از همدیگر جدا کرد و اِعراب را به داخل کلمات منتقل نمود، و بدین ترتیب، برای چهل یک نشانه الفبای موجود چهل نشانه دیگر وضع نمود (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۳: ۱۴؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۰۵– ۴۰۴). سعاوی[1] و شیخ الاسلام قفقاز، با بررسی راه‌های مختلف برای اصلاح و تغییر خط، به این نتیجه رسیدند که ضمن حفظ الفبای قدیم و حرکات متعلق به آن، برای تسهیل در آموزش مبتدیان، حرکات دیگری ایجاد، و مثل حرکات فتحه، ضمه و کسره، در بالا و پایین حروف، به کار برده شوند (مخبر، ۱۸۶۸: نومرو ۴۷/ ۱؛ حسین‌زاده، ۱۲۹۷: ۵). مستشارالدوله نیز هر چند اصلاحاتی مانند جدایی حروف، انتقال اِعراب به داخل کلمات، عدم مشابهت حروف، نبود نقطه، سهولت در چاپ و کامل بودن اعراب را ضروری می‌دانست (مستشار الدوله، ۱۳۰۳: ۲۲– ۲۰)، اما از تغییر الفبا سخنی به میان نیاورد و حتی الفبای ابداعی ملکم را به خاطر تشابه با الفبای سابق ستود (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۳۶۷– ۳۶۶). طالب اوف، هر چند واژه تغییر الفبا را به کار برد، ولی حذف نقطه ها، انتقال اِعراب به داخل کلمات و قائمه شدن زوایا را برای اصلاح الفبا بسنده می‌دانست (طالب اوف، بی تا:۵۱). شارل میسمر نیز، اصلاح و ترقی مسلمین را منوط به اجرای این «عمل مختصر» می‌دانست که "حروف را قدری از هم فاصله داده، و اِعراب را به وسط آنها» بگذارند (مستشار الدوله، ۱۳۰۲: ۱۷). عقیده او در مورد جدایی حروف و انتقال اِعراب به داخل کلمات، برای اصلاح الفبا، مورد قبول منیف پاشا نیز بود. (*مجموعه فنون*، ۱۲۸۰: نومرو ۱۴/ ۷۷– ۷۶). اویسی

۱. مستشارالدوله مطالب سعاوی در مخبر را به آخوندزاده ارسال کرد و آخوندزاده نوشته‌های او را نقد نمود. به نوشته مستشارالدوله، سعاوی پس از خواندن انتقادات آخوندزاده به اعتقادات او در مورد خط صحه گذاشت؛ ولی، مطلبی از خود سعاوی مبنی بر تغییر عقیده او وجود ندارد. در مورد انتقادات آخوندزاده مراجعه کنید به: آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۲۴. در مورد تغییر عقیده سعاوی نیز مراجعه کنید به: همان:۳۷۱.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

نیز، اصلاح خط را توصیه می‌کرد(اویسی، ۱۳۳۱: ۲۹) و برای این امر، حذف اصوات مشترک، جدایی حروف، انتقال اعراب به داخل کلمات و حذف نقطه‌ها را کافی می‌دانست (همان، ص ۳۳). میرزا آقاخان کرمانی، مایل به اصلاح خط با جدایی حروف و از چپ به راست‌نویسی بود (آدمیت، ۱۳۵۷:۲۰۹). خیرالدین بیگ، از عثمانی، بدون ارائه توضیح، اصلاح الفبا را بر تغییر آن ترجیح می‌داد (ترقی، ۱۲۸۶: نومرو۳/۱۹).

راهکار های اجرای خط جدید

اندیشمندانی که خواهان تحول در خط جهان اسلام بودند، در خصوص چگونگی اجرای آن، وحدت نظر نداشتند. میرزا فتحعلی آخوندزاده، در ابتدای امر، اعتقاد داشت که اصلاح الفبا «در صورتی متضمن فایده خواهد گشت که از طرف تاجدار ذیشوکت اسلام و صاحب مملکت بزرگ در باب تعلیمش صرف همت گردد. » (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۶). او با همین اعتقاد، الفبای ابداعی خود را به مقامات ایران و عثمانی ارائه کرد و از اولیای امور ایران دعوت نمود، مجلس مشورتی «از ده دوازده نفر ارباب معرفت و کمال» در مورد الفبای او و نحوه اجرای آن تصمیم‌گیری نمایند (همان: ۶۳). ولی پس از آن که در ایران و عثمانی به نتیجه دلخواه خود نرسید، برای ترویج الفبای ابداعی خود، به اقدامات دیگری دست یازید. او در تفلیس، هشتاد نفر دانش‌آموز را با الفبای ابداعی خود آموزش داد و شوهر خواهر خود را مامور آموزش آن الفبا در آذربایجان نمود (همان: ۶۹). انصاری (انصاری، ۱۳۰۸: ۱۰) و منیف پاشا نیز به اجرای الفبا از طریق حکومت اعتقاد داشتند. منیف پاشا برای این منظور، الفبای ابداعی آخوندزاده را در «جمعیت علمیه عثمانیه» مطرح کرد تا در صورت تأیید، توسط حکومت عثمانی در جامعه اجرا شود.

ملکم، از دیگر هواداران اصلاح خط، اعتقادی به دخالت حکومت در آموزش خط جدید نداشت. او می‌خواست الفبای متداول را طوری اصلاح نماید که فهم آن برای همه فراگیران الفبای قدیم آسان باشد و به راحتی مورد قبول آنها واقع شود. به همین خاطر، در ترویج الفبای خود نقش چندانی برای دولت قایل نبود و فکر می‌کرد مزایای این الفبا، نظیر: مقبول نسل قدیم بودن، راحتی آن در یادگیری و کمکش به ترویج علوم، آن را از مقبولیت همگانی برخوردار خواهد کرد. به اعتقاد او، در صورت نیاز خط

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

جدید به آموزش، «جمیع خیالات و اهتمامات در باب اصلاح خط به هدر» (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۴۰۵) می‌رفت. به همین علت، در مورد اختراع خط تازه (نه اصلاح شده) می‌گوید: «اختراع خط تازه، در صورتی مفید می‌شد که دول اسلام مدت‌ها به مخارج زیاد، اطفال مدرسه را مجبور به تحصیل آن بکنند» (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۶). بنابراین، خط ملکم برای رواج « نه مدارس مخصوص لازم» داشت، « نه درس تازه، نه زور دولتی و نه فتوای امام» (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۴۱۴).

خیرالدین بیگ، پیشنهاد می‌کرد «کمیسیونی از اصحاب لیاقت و درایت»، برای نحوه اجرای الفبای جدید تشکیل گردد (ترقی، ۱۲۸۶: نومرو۱۹۲/ ۳). مستشارالدوله نیز، توصیه می‌کرد برای اجرایی کردن اصلاح الفبا در تهران و استانبول به عنوان پایتخت‌های بزرگ اسلامی، مجالسی تشکیل گردد و شعبه‌های آنها در شهرهای بزرگ ایجاد شوند و برای اصلاح الفبا اعانه جمع کنند. به اعتقاد او، این مجالس، باید در مورد بهترین الفبا و نحوه اجرای آنها تصمیم می‌گرفت. او نقش حکومت‌ها در این مجالس و شیوه کار آنها را مشخص نکرد (مستشارالدوله، ۱۳۰۳: ۲۰-۱۹).

موانع و مشکلات خط جدید

عمده‌ترین مانعی که هواداران اصلاح خط با آن مواجه بودند، مقاومت طبیعی جامعه در مقابل این تحول گسترده بود. تصور می‌شد جامعه مذهبی ایران و عثمانی، با برخورداری از رهبران روحانی، با اصلاح خط مخالفت کنند؛ چرا که قران مجید و دیگر کتاب‌های دینی مسلمانان در طول تاریخ اسلام، با حروف عربی تالیف شده بودند، و همین مساله، تعلق خاطر دو جامعه مسلمان را به خط عربی دو چندان می‌کرد. این امر، هواداران اصلاح خط را در مورد نحوه به کارگیری الفبای جدید و گستره کاربرد آن دچار تشتت آرا می‌کرد. عده ای توصیه می‌کردند، خط جدید در کنار خط قدیم به کار برده شود (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸) و متون دینی، همچنان به خط قدیم باقی بمانند و خط جدید در « فنون، اداره و تجارت، به کار گرفته شود (ترقی، ۱۲۸۶: نومرو۳/۱۹۲). در این مورد به سابقه تاریخی روسیه استناد می‌شد، (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸؛ ترقی، ۱۲۸۶: نومرو۳/۱۹۲) که برای تعلیم و تربیت، خط جدیدی را به خدمت گرفت و خط سابق را به حال خود باقی گذاشت. برخی نیز، از دو الفبا برای چاپ و تحریر صحبت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

می‌کردند (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۴۳۰).

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدله سعی می‌کرد اصلاح خط را امری مطابق با دین اسلام معرفی نماید. او که جدایی حروف را «اول شرط اصلاح خط» دنیای اسلام قرار می‌دانست، اظهار می داشت: «جدایی حروف، اصلا به هیچ عقیده منافاتی ندارد. کلمات بسیار در قرآن مجید به حروف مقطعه نوشته شد» است (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۱۱– ۱۰). شیخ‌الاسلام قفقاز، در روزنامه اعلام کرد که با تغییر خط، فقط «اشکال نقوش حروف» تغییر می‌یابند و «الفاظ و معانی قرآن و کتاب»، تغییر نمی‌کنند (اختر، سال ۷، شماره ۵، ۱۲۹۸: ۳۷– ۳۶). حاجی میرزا نجفقلی خان – سر کاتب اول و ترجمان سفارت ایران– خواست که برای ممانعت از واکنش جامعه، خط مسلمانان با عنوان «خط اسلام» خوانده نشود. طالب اوف هم می‌گفت که با ابداع خط جدید، نه تنها ضرری به اسلام نمی‌رسد، بلکه، کتاب‌های قدیمی که به اختلافات ملت‌های مسلمان ایران و عثمانی دامن می‌زدند متروک می‌مانند و با چاپ کتاب‌های مفید «اتحاد مذهب سنی و شیعی دین اسلام» فراهم می‌گردد (طالب اوف، بی تا: ۵۳– ۵۱). غزوینی، سعی داشت تکلیف زبان و خط فارسی را به عنوان زبان علم ودانش، از زبان عربی یا همان «زبان سمیراد و نیاز و نماز» جدا کند تا احساسات مذهبی برای اصلاح خط فارسی تحریک نشود (غزوینی، ۱۲۹۹: ۱۶– ۱۵).

برخی دیگر از اندیشمندان، با استناد به تغییر خط اسلام از خط کوفی به نسخ و نستعلیق– در قرن چهارم– ادعا می‌کردند که اصلاح خط، منافاتی با دین و شریعت ندارد (حسین زاده، ۴:۱۲۹۷؛ آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۷؛ انصاری، ۱۳۰۸: ۷– ۶). آنها همچنین به سابقه تاریخی تحول خط، استناد می‌کردند و تحول خط از هیروگلیفی به حروف متصل سیلابی (خط عربی) و سپس به الفابتی را در راستای تکامل خط معرفی می‌نمودند (مستشارالدوله، ۱۳۰۳: ۱۲–۱۰؛ حسین زاده، ۱۲۹۷: ۵–۴؛ اختر، سال۷، شماره ۱۶، ۱۲۹۸: ۱۳۱– ۱۳۰؛ اویسی، ۱۳۳۱: ۲۴– ۹). مستشارالدوله برای رفع مخالفت احتمالی علما، تدبیر دیگری اندیشید و در مورد ضرورت اصلاح خط از علمای اعلام استفتا نمود و علما، عدم مخالفت شریعت با اصلاح خط را مورد تایید قرار دادند و مستشارالدوله فتوای حاجی میرزا نصرالله مجتهد مشهد را به عنوان خلاصه فتاوی علما در اختر به چاپ رساند (اختر، سال۶، ۱۲۹۷: ۱۷۶– ۱۷۴).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

اختراع خط جدیدف به غیر از مقاومت جامعه، مشکل دیگری نیز در مورد کتاب‌های قدیمی ایجاد می‌کرد. با ایجاد یک خط جدید، این سوال مطرح می‌شد که با کتاب‌های قدیمی موجود، که با خط سابق نوشته شده بودند، چه کار باید انجام شود. به اعتقاد برخی از هواداران اصلاح خط، این مشکل با چاپ کتاب‌های مفید قدیمی با خط جدید برطرف می‌گردید (AxundzadeƏ,۲۰۰۵: ۵۳). میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، باقی ماندن آثار و کتب موجود به خط قدیم را چندان مهم نمی‌دانست، و فکر می‌کرد کسانی که مایل باشند، می‌توانند رسم‌الخط قدیم را فرا بگیرند. در حالی که از نظر او با چاپ کتاب‌های قدیمی با رسم الخط جدید، اصلا نیازی به یادگیری خط قدیم نیست (ناظم‌الدوله، بی‌تا: ۱۳۸). م. شوشتری، کتاب‌های قدیمی را به دو دسته: کتاب‌های «ادیان و روحانی» و کتاب‌های علوم تقسیم می‌کرد و اعتقاد داشت که کتاب‌های نوع اول باید در دست اهلش باقی بماند و کتاب‌های نوع دوم، به خط جدید تبدیل شوند. به باور او، کتاب‌های خارج از این دو گروه «از جمله علومی هستند که موافق فرموده حضرت فخر کائنات نه از علم آنها فایده هست و نه از جهلشان ضرر؛ چه، نه متعلق به علم ابدانند و نه به علم ادیان» (اختر، سال ۷، شماره ۱۲، ۱۲۹۸: ۹۸). شوشتری و انصاری، بلا استفاده ماندن کتاب‌های قدیمی با تغییر خط را به بلا استفاده ماندن تفنگ‌های قدیمی در مقابل اسلحه‌های جدید، و بلا استفاده ماندن «اسب‌های عربی و الاغ‌های مصری» در مقابل راه آهن، تشبیه می‌نمودند، و امری کاملاً بی ارزش قلمداد می‌کردند (همانجا؛ انصاری، ۱۲۹۸: ۱۳۸– ۱۳۷؛ همو ۱۳۰۸: ۱۷– ۱۶).

الفباهای ابداعی

نخستین الفبای ابداعی به میرزا فتحعلی آخوند زاده تعلق داشت که از نظر فنی– به دلیل اتصال حروف– خیلی زود مورد انتقاد قرار گرفت و در «جمعیت فنون علمیه عثمانیه» قابل اجرا تشخیص داده نشد. الفبای مطرح دیگر، مربوط به میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله است. در الفبای ابداعی او اِعراب، کاملاً به داخل کلمات وارد نشده، و نقطه ها باقی ماندند، و شکل‌های گوناگون یک صدا (نظیر: ذ– ز– ض– ظ) که در فارسی یکسان تلفظ می‌شوند، هیچ تفاوتی نکرده بود؛ اما این خط به دلیل جدایی حروف و از بین بردن اشکال مختلف یک حرف، عمل چاپ را تسهیل می‌کرد (آخوندزاده، ۱۳۵۷:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

.(۱۱۵

الفبای میرزا رضاخان و الفبایی کـه مستشـارالدوله از آن بـه عنـوان "خـط اختراعـی شخص عزیزی از دوستان" یاد می‌کند (مستشارالدوله، ۱۳۰۳: ۳۹) از دیگر الفباهای این دوره بشمار می‌آیند. الفبای میرزا رضاخان در واقع برگرفتـه از حـروف فرانسـه بـود، و الفبای مورد نظر مستشارالدوله، مورد توجه واقـع نشـد. میـرزا رضـاخان افشـار، میـرزا محمد علی خان اویسی، میرزا حسین خان دبیر یکم وزارت خارجه، میرزا کـاظم خـان الان براغوشی، ادیب الممالک فراهانی و انصاری نیز الفباهـایی را ابـداع کردنـد (ذکـاء، ۱۳۳۹: ۷۳– ۶۹؛ انصاری ۱۳۰۸ :۱۷).

ارزیابی جنبش تحول خط

در نگاهی به هواداران جنبش تحول خط، ملاحظه می‌شود کـه ایـن جنـبش، پـس از آغاز آن در قفقاز، به ایران و عثمانی راه یافت. بیشتر هواداران اصلاح خط در سه حوزه، از بوروکرات‌های اداری بودند، اما از علما و تجـار نیـز در میـان آنهـا حضـور داشـتند. جنبش، در این حوزه‌ها روند متفاوتی را طی کرد. در ایران و قفقاز، تعدادی از جنبشیان خواستار تغییر خط شدند و برای این امر، الفبایی را هم ابـداع کردنـد، امـا در عثمـانی، جنبشیان بیشتر به دنبـال اصـلاح خـط بودنـد، و اندیشـه آنهـا و اقداماتشـان از توجیـه ضرورت اصلاح خط فراتر نرفت. همچنین، افرادی مانند آخوندزاده و غزوینی در قفقاز و ایران، سعی کردند سرنوشت زبان و خط فارسی را از زبان و الفبای عربی جـدا کننـد، ولی در عثمانی چنین تلاشی به عمل نیامد.

در ارزیابی کلی از افکار اندیشمندان تحول خط، باید گفت که تنها نکته مورد توافـق میان آنها، لزوم تحول الفبا بود. آنها همه دشواری‌های الفبای عربی را قبول داشـتند و بـه همین خاطر، تحول الفبا را ضروری می‌خواندنـد. امـا در مـورد میـزان و نحـوه تحـول، اندیشه آنها از اجرای یک اصـلاح سـاده، ماننـد اِعراب‌گـذاری حـروف تـا اصـلاحات گسترده و تغییر الفبا، در نوسان بود. با این که همه آنان اصلاح الفبا را برای نیل به ترقی لازم می‌دانستند، ولی در مورد میزان این ارتباط اخـتلاف نظـر داشـتند. برخـی ترقـی را بدون اصلاح محال می‌دانستند، و بعضی، معتقد بودنـد کـه ترقـی بـا خـط دشـوار هـم امکان‌پذیر است (مراغه‌ای، ۱۳۶۴: ۲۹۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

هواداران تحول خط، در قرن نوزدهم، به مشکلات بلند مدت این امر بی‌توجه بودند. یکی از عمده مشکلاتی که در پی تغییر یا اصلاح خط، پدیدار می‌آمد، گسست فرهنگی میان نسل جدید و قدیم بود. زیرا با ظهور یک خط تازه، ارتباط نسل جدید با گذشته قطع می‌شد. حتی در رشته‌های مختلف علوم نیز که نیاز به مراجعه به کتاب‌ها و آثار قدیمی وجود داشت، ایجاد مشکل می‌کرد. در نتیجه، خط تازه، اگر چه در تعلیم و تربیت، سهولت‌هایی ایجاد می‌کرد، اما در عوض، پژوهش‌گران نسل جدید را در بهره‌برداری از میراث پیشینیان و نیز، فراگیری الفبای قدیم، با دشواری‌هایی روبرو می‌کرد. به عبارتی دیگر، نسل جدید، نه تنها خود را از فراگیری خط قدیم بی نیاز نمی‌یافت، بلکه مجبور به یادگیری خط جدید نیز می‌شد.

طرفداران اصلاح خط در ایران، قفقاز و عثمانیِ قرن نوزدهم، تصور درستی از دشواری‌ها و پیامدهای ناشی از اصلاح خط نداشتند. آخوندزاده، فکر می‌کرد تنها ضرر اصلاح و یا حتی تغییر خط، همان بلا استفاده ماندن کتاب‌های قدیمی است که به تعبیر او در قبال با سواد شدن عموم مردم، ضرری عمده محسوب نمی‌شد (AxundzadeӨ,۲۰۰۵:۱۹۲) و حتی با ادامه حیات خط قدیم، در کنار خط جدید، و چاپ تدریجی کتاب‌های قدیمی با خط جدید، قابل جبران هم بود. ملکم هم وانمود می‌کرد این ضررها به راحتی قابل جبران است: نخست، به این دلیل که، هر کس بخواهد می‌تواند خط قدیم را یاد بگیرد و دیگر این که، با چاپ کتاب‌های قدیمی با خط جدید، نیازی به یادگیری خط قدیم نخواهد بود. این استدلال ملکم، در صورتی مقرون به صحت می‌شد که گذشته یک ملت فقط و فقط به کتاب‌های شناخته شده محدود باشد، حال این که جای هیچ تردیدی نیست که هر اثر مکتوب، برای شناخت گذشته انسان‌ها حائز اهمیت است. برخی از آنان، با دسته بندی غلط و بی پایه، کتاب‌های فراوانی را در حوزه شعر، ادب، اسطوره و داستان، با عنوان غیر دینی و غیر علمی محکوم به نابودی می‌دانستند، و متروک ماندن کتاب‌هایی که به خط قدیم نوشته شده بودند، بسان متروک ماندن اسب و الاغ در مقابل راه آهن می‌شمردند و بدین وسیله، به جهل مطلق خود به علم و مساله گسست فرهنگی اذعان می‌نمودند.

مشکلات سیاسی اجتماعی که از دیدگاه ملکم، خیرالدین بیگ و مستشارالدوله، به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

دشواری الفبا برمی‌گشت، جای بحث فراوان دارند. گزارش مستشارالدوله از سوء استفاده روس‌ها از عهدنامه گلستان، با توجه به نقص الفبا، با توسعه طلبی روس‌ها در آن زمان و قراین و شواهد تاریخی مربوط به آن مطابقت ندارد. خیرالدین بیگ و ملکم، در این مورد دچار اشتباه شده‌اند. برخلاف اظهارات ملکم و خیرالدین بیگ، فقدان وحدت ملی در عثمانی، ناشی از مشکلات الفبا نبود. اتحاد مذهبی یا اتحاد زبانی، گرچه از عوامل اتحاد ملی شمرده می‌شوند، ولی هیچ کدام به تنهایی، شرط کافی برای اتحاد ملی نیستند. بطلان عقیده ملکم در مورد طوایف قفقاز و عدم توفیق روس‌ها در روسی کردن آنها، اکنون با ظهور جمهوری های تازه تأسیس یافته در این مناطق –پس سقوط اتحاد جماهیر شوروی– دیگر نیازی به بحث ندارد.

مستندات تاریخی هواداران اصلاح خط نیز جای بحث دارد. آنها در مورد ضرورت اصلاح خط، به تجربه تاریخی روسیه استناد می‌کردند، ولی از تجربه تاریخی جهان اسلام و اعتلای آن در قرنای چهارم و پنجم در سایه الفبای عربی، و نیز تجربه ترقی کشورهایی مانند ژاپن و چین با الفبای دشوار، غفلت می‌کردند. استنباط برخی از پژوهش گران مانند آدمیت و رئیس نیا در مورد قابل اعتنا نبودن پیشرفت های ژاپن و چین در این زمان (آدمیت، ۱۳۴۹: ۷۰؛ رئیس نیا، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۲۶) استنباط درستی نیست؛ زیرا، معترضان اصلاح خط (روزنامه اختر، سال ۶، شماره ۲۳، ۱۲۹۷: ۱۱۸) و برخی از طرفداران آن (مراغه‌ی، ۱۳۶۴: ۲۹۳) در همان زمان، از ژاپن و چین، مثال می‌زدند.

اندیشمندان اصلاح خط، در مورد نقش آموزش در جامعه نیز به خطا می‌رفتند. آنها تصور می‌کردند با اصلاح الفبا، یادگیری، از سهولت بیشتری برخوردار خواهد شد و امر آموزش، بدون نیاز به برنامه‌های دولت، در سطح جامعه، گسترش خواهد یافت. در حالی که، آنان خود شاهد تجربیات تاریخی دولت‌های اروپایی در این زمینه بودند و می‌دانستند که آموزش اجباری، پس از انقلاب کبیر فرانسه، در اعلامیه حقوق بشر، در مقدمه قانون اساسی فرانسه در سال ۱۷۸۹م گنجانده شده بود، و با گسترش آموزش اجباری در اروپا در اواخر قرن نوزدهم و همزمان با توجه گسترده اندیشمندان مسلمان به مساله خط، شمار مدارس و معلمان در کشورهای اروپایی هر روز بیشتر می‌شد. در طول این سال‌ها تعداد دانش‌آموزان در بلژیک، فرانسه، نروژ و هلند دو برابر و در ایتالیا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

پنج برابر شد (اریک هابسبام، ۱۳۸۵: ۲۳۳). همچنین، از ۱۸۷۵م تا آغـاز جنـگ جهـانی اول، معلمان کشور فرانسه یک سوم افـزایش یافـت و ایـن رقـم در کشـورهایی ماننـد انگلستان و فنلاند به هشت تا سیزده برابر رسید (همان: ۳۴۵– ۳۴۴).

با توجه به این تجربیات تاریخی، امر آموزش، در زمان توجه به اصلاح خـط، مـورد توجه برخی از اندیشمندان جهان اسلام هم قرار گرفت. روزنامه اختر، پیش از آن که به طرفداران تحول خط جهان اسلام بپیوندد، اعلام کرده بـود کـه عقب‌مانـدگی مسـلمانان تنها از بابت نقص الفبا نیست، "بلکه، از نقصان علوم و فنونی است که باید بـا آن الفبـا بیان کرده شود و از جهت بی اعتنایی دولت و ملت است به ترقـی علـوم و معـارف در میان" مسلمانان (اختر، سال ۳، شـماره ۱۷، ۱۲۹۴: ۱۰۲– ۱۰۰). م. افشـار نیـز در کنـار توصیه به اصلاح الفبا، امر آموزش را این گونه مورد توجه قرار داد: "باید اسـاس تعلـیم و تدریس قدیم، از بیخ و بن بر هم خورده از سر نو قاعده گذاشـته شـود و هـر طفلـی خواه غنی، خواه فقیر، خواه وضیع، خواه شـریف، در آمـوختن خـط و ربـط مجبـور و مکلف باشد" (اختر، سال ۷، شماره ۸، ۱۲۹۸: ۶۷).

اندیشمندان تحول خط، مانند آخوندزاده، مستشارالدوله و ملکم، از نقـش آمـوزش و تجربیات تاریخی مربوط به آن اطلاع داشتند. آخوندزاده بر آموزش اجباری مانند اقـدام "فردریخ کبیر" تاکید می‌کرد (آخونـدزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸). میـرزا یوسـف خـان مستشـار الدوله، مدت‌ها پیش از نگارش رساله اصلاح خط، در رساله «یک کلمـه»کـه ترجمـه و اقتباسی از اعلامیه حقوق بشر در مقدمه قانون اساسـی جمهـوری اول فرانسـه بـود، بـه لزوم سیستم منظم آموزش تاکیـد کـرده بـود (مستشـارالدوله، ۱۳۶۴: ۴۹)، و ملکـم، در رساله دفتر تنظیمات یا کتابچه غیبی، به مساله آموزش همگانی و لزوم مدارس گوناگون و وظایف وزارت علوم در این مـورد پرداختـه بود(ناظم‌الدولـه، ۱۳۸۱: ۵۵– ۵۴). آنهـا، علی‌رغم این آگاهی‌ها، به جای تاکید بر آموزش برای ترویج علم و تعمیم سواد آموزی، بر پیونـد میـان آمـوزش و خـط اصـرار می‌کردنـد. انصـاری ثـواب اصـلاح خـط را از ساخت«عمارت و بنـای مسـاجد و مـدارس» بیشـتر می‌دانسـت (انصـاری، ۱۳۰۸: ۱۰). مستشارالدوله نیز، در «رساله در وجوب اصلاح خط اسلام»، از اصلاح الفبا برای تسهیل آموزش و تربیت ملت به شدت دفاع می‌کرد، و ملکم، برای همگـانی شـدن آمـوزش و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

ترویج علوم، الفبای ابداعی خود را کافی می‌شمرد. او برای ترویج الفبای خود نیازی به سرمایه‌گذاری دولت نمی‌دید و معتقد بود که مزایای الفبایش، موجب اقبال همگانی به آن خواهد شد و زمینه را برای ترویج علوم و تربیت ملت فراهم خواهد کرد..

عقیده طرفداران تحول خط، با یافته‌های علم زبان شناسی نیز منافات داشت. از نظر زبان شناسان، زبان از نظام پویایی برخوردار است و در هر زمان، با توجه به این پویایی، دچار تحول می‌شود (Fromkin, ۲۰۰۳:٥٦٤) . این مساله ایجاب می‌کند که خط از ثبات برخوردار باشد تا با تحول زبان، ارتباط با گذشته همواره حفظ گردد. به باور هواداران تحول خط، با تغییر یا اصلاح الفبا، خط قابلیت پیدا می‌کرد که واژه‌ها را به همان شکلی که خوانده می‌شدند ثبت نماید و خواندن و نوشتن را سهل‌تر گرداند؛ در حالی که، پویایی زبان موجب می‌شود هر الفبایی، به تدریج، برای ثبت تحولات زبان دچار نقص گردد. اگر بنا باشد خط برای ثبت تحولات زبان دچار تحول گردد، باید در هر دوره تاریخی الفبای مخصوص آن دوره پدید آید، حال این که، رسالت خط، ثبت یافته‌های بشریت به عنوان گنجینه‌ای برای استفاده نسل هاست و تغییر و تحول آن موجب گسست نسل های مختلف از همدیگر در طول تاریخ می‌شود.

نتیجه

آنچه معتقدان به تحول خط را به تغییر یا اصلاح الفبا متقاعد ساخته بود، ارتباط الفبا با عقب ماندگی جهان اسلام و لزوم تغییر یا اصلاح آن بود. آنها بی‌سوادی مردم و فراگیر نشدن علم و دانش در سرزمین‌های اسلامی و بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی دیگر را ناشی از دشواری الفبای جهان اسلام می‌دانستند و فکر می‌کردند که با تغییر یا اصلاح الفبا، علم و دانش فراگیر می‌شود و بدین‌وسیله مشکلات جهان اسلام برای نیل به ترقی حل می‌گردد.

با وجود تاکیدی که بر لزوم تحول خط می رفت، در مورد چگونگی تغییر و یا میزان اصلاح آن، وحدت نظر وجود نداشت. با این حال، غفلت از مشکلات و پیامدهای فراوان تغییر خط، در میان آنان همگانی بود. هر چند هواداران تحول خط، در مورد وجود مشکلاتی در الفبای جهان اسلام و لزوم فراگیر شدن علم و دانش- در جهت رسیدن به ترقی- محق بودند، ولی اصرارشان بر ضرورت اصلاح خط، برای سامان دهی مشکلات سیاسی، اجتماعی، آموزشی و... از غفلت آنان از مشکلات اساسی آن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

حکایت می‌کرد. بیشتر طرفداران اصلاح خط، با وجود صحبت از شباهت الفبای ابداعی خود با الفبای موجود، از ضرورت تبدیل کتاب‌های قدیمی به خط جدید نیز سخن به میان می‌آوردند. حتی فردی مثل شیخ الاسلام قفقاز که اصلاحات محدودی را مطرح می‌کرد، در حمایت از الفبای ابداعی میرزا رضاخان ارفع، برای تغییر خط اظهار داشت که با تغییر شکل حروف، محتوای کتاب‌های دینی تغییر پیدا نمی‌کند. این مسایل نشان می‌دهد که اعتقاد آنها به لزوم شباهت الفبای جدید به الفبای مورد استفاده، نه از اعتقادشان به مشکلات بلند مدت تغییر خط- مانند گسست فرهنگی- بلکه از ترس آنان از مقاومت جامعه، نشات می‌گرفت.

آنان برای نشان دادن ارتباط میان ترقی و تحول خط، و بی‌توجهی کامل به نقش کلیدی دولت‌ها در امر آموزش، به تجربه تاریخی روسیه در تغییر خط، متمسک می‌شدند. در حالی که مخالفان و برخی از طرفداران اصلاح خط مانند م. افشار و مراغه‌ای با واقع بینی به این مقوله‌ها اشاره می‌کردند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که جنبشیان، با تصور غلط از همگانی شدن علم و دانش، بی‌توجهی به نقش کلیدی دولت‌ها در آموزش، عدم توجه به تجربیات تاریخی کشورهای مترقی و در حال ترقی، تحلیل غلط از روند ترقی در کشورهایی همچون روسیه و بی‌توجهی به یافته‌های علم زبان‌شناسی در مورد رسالت خط، به ارتباط آموزش و ترقی با خط اصرار می‌کردند؛ در حالی که، در همان زمان دلایل فراوانی مبنی بر بطلان عقایدشان وجود داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

کتاب‌نامه

الف. منابع فارسی

۱ – اختر، سال ۷، شماره ۵، ۱۹ صفر ۱۲۹۸

۲. ـــــ، سال ۱۲، شماره ۲۷، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۰۳:

۳. ـــــ، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۹ ربیع الاول ۱۲۹۴

۴. ـــــ، سال ۵، شماره ۳۷، ۲۳ رمضان ۱۲۹۶

۵. ـــــ، سال ۶، شماره ۲۲، ۳ جمادی الاخری ۱۲۹۷

۶. ـــــ، سال ۶، شماره ۲۳، ۱۰ جمادی الاخر ۱۲۹۷

۷. ـــــ، سال ۷، شماره ۱۲، ۸ ربیع الاخر ۱۲۹۸

۸. ـــــ، سال ۷، شماره ۱۶، ۷ جمادی الاولی ۱۲۹۸

۹. ـــــ، سال ۷، شماره ۶، ۲۶ صفر ۱۲۹۸

۱۰. ـــــ، سال ۷، شماره ۷، ۳ ربیع الاول ۱۲۹۸

۱۱. ـــــ، سال ۷، شماره ۸، ۱۰ ربیع الاول ۱۲۹۸

۱۲. ـــــ، سال ۷، شماره۶، ۲۶ صفر۱۲۹۸

۱۳. آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۷)، *الفبای جدید و مکتوبات*، به کوشش حمید محمدزاده، تبریز، چاپ مهر.

۱۴. آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، *اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران، خوارزمی.

۱۵. ـــــــــ (۱۳۵۷ش)، *اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران، انتشارات پیام.

۱۶. ـــــــــ(بی تا)، *اندیشه های طالبوف تبریزی*، بی‌جا، دماوند.

۱۷. اصیل، حجت‌الله (۱۳۷۶ش)، *زندگی و اندیشه میرزا ملکم‌خان ناظم الدوله*، تهران، نشر نی.

۱۸. انصاری، حاجی میرزا حسین خان(۱۲۹۸ق)، *تنبیه الصبیان*، استانبول، مطبعه اختر.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

۱۹. انصاری، حاجی میرزا حسین خان (۱۳۰۸ق)، نمونه افکار خط دانش و انسانیت، بمبئی، انجمن دانش.
۱۹. اویسی، میرزا علیمحمد خان (۱۳۳۱ق) *الفبای خط نو برای نو آموزان پارسی*، اسلامبول، چاپخانه شمس
۲۰. حسنی، عطاالله (۱۳۸۴)، «رابطه جنبش اصلاح خط با زمینه‌های فکری مشروطیت در ایران»، *مجموعه مقالات همایش بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران بزرگداشت آیت الله محمد کاظم خراسانی*، تهران، موسسه تحقیقات وتوسعه علوم انسانی.
۲۱. ذکاء، یحیی (۱۳۳۹ش)، *در پیرامون تغییر خط فارسی*، تهران، چاپخانه نقش جهان.
۲۲. رئیس‌نیا رحیم(۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، جلد۱، تبریز، ستوده.
۲۳. *رساله های میرزا ملکم خان الدوله* (۱۳۸۱)، گردآوری و مقدمه حجت الله اصیل، تهران، نشر نی.
رسایل ملکم (بی تا)، چاپ سنگی، بی جا، بی نا.
۲۴. طالبوف، عبدالرحیم(بی تا)، *مسالک المحسنین*، به همت محمد رمضانی. بی جا، چاپخانه خاور،
۲۵. غزوینی، میرزا رضا خان افشار بکشلو (۱۲۹۹ق)، *الفبای بهروزی*، استانبول، دادستان ایران
۲۶. الگار، حامد (۱۳۶۹)، *میرزا ملکم خان*، ترجمه متن جهانگیر عظیما و ترجمه حواشی مجید تفرشی، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری انتشارات مدرس.
۲۷. مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۶۴)، *سیاحت نامه ابراهیم بیگ*، تهران، نشر اسفار.
۲۸. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۶۴)، *یک کلمه*، به کوشش صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران.
۲۹. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۰۳ق)، *رساله در وجوب اصلاح*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

خط اسلام، چاپ سنگی، بی جا: بی نا
۳۰. ناطق، هما (۱۳۶۷/ ۱۹۸۸)، «روزنامه قانون پیش درآمد حکومت اسلامی»، *دبیره*، سال چهارم، شماره ۴- ۳.
۳۱. ناظم‌الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۰۲ق)، «بیان»، مندرج در *گلستان* سعدی، چاپ ملکم، لندن، مطبعه ترقی.
۳۲. نورائی، فرشته (۱۳۵۲)، *تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۳۳. هابسبام، اریک (۱۳۸۵ش)، *عصر امپراتوری*، ترجمه ناهید فروغان، تهران، نشر اختران.

ب. منابع ترکی عثمانی

۱.. *ترقی*، ۲۷جمادی الاولی ۱۲۸۶ق.
۲. ----، نومرو ۱۹۲، ۲۱ ربیع الاخر ۱۲۸۶.
۳. -----، نومرو ۲۰۹، ۱۶ جمادی الاولی ۱۲۸۶ق.
۴. کمال، نامق (۱۳۱۱ق)، «اصول تحصلیک اصلاحنه دائر بند مخصوص»، *منتخبات تصویر افکار*، قسطنطنیه، مطبعه ابوالضیا.
۵. *مجموعه فنون*، نومرو ۱۴، صفر ۱۲۸۰.
۶. مخبر، نومرو ۴۷، ۳۱ اگوست ۱۸۶۸.

ج. منابع ترکی آذربایجانی

۱. □□□□□□□□□□□, □□□□□ □□□□□□□,(۲۰۰۵), ۲cild, Bakı, ŞƏrq - QƏrb.
۲. □□□□□□□, (۲۰۰۵), □□□□, □□□□□□□□□ □□□□□.

د. منابع ترکی جدید

۳. □□□□□, □□□□□□□□, (۱۹۹۴) □□□ □□□□□ □□ □□□□□□□, □□□□□□□□□, □□□□□□□□□ Yayinlari.
۴. □□□□□ □□□□□□□□□□□□□□□, (۲۰۰۵) □□□□ ۱۸, □□□□□□□□□, □□□□□□□□ Diyanet vakfi.
۵. □□□□□□□, □□□□□□□□ □□□□□□□□□, (۱۹۵۳) □□□□□□ □□□□□□□□□□□□□□□ □□□□□□□ ve değiştirilmesi hakkinda İlk teşebüsler ve neitceleri (1862-

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]

۱۸۸۴)□, □□□□□□□□□, □□□□ □□□□, □□□□ ۶۵– ۶۸.

۶. □□□□□□□,□□□□□□□□,(۲۰۰۴), "□□□□ □□□□ □□□□□□□□□", □□□□□□□ Üniversitesi Türk İnkılâp Tarihi Enstitüsü Atatürk Yolu Dergisi, S ۳۳–۳۴, □□□□□–□□□□□□□ ۲۰۰۴.

۷. □□□□□□, □□□□□□ □□□□,(۱۹۹۹) □□□□□□□□□□ □□□□□□□ □□□□□□□□ □□□□□□□, Istanbul, Ulken Yayinlari; ۱۹۹۹.

هـ . منابع انگلیسی

۱. □□□□□□□□, □. , □□□□□□□, □. □ □□□□□□, □. (۲۰۰۳)و An introduction to language (۷th ed.), Botstom, MA, Heinle.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1391.1.5.1.1]